

## گفت و گو با «سمیر ارشدی» نویسنده و عضو اتحادیه نویسندگان جهان عرب جهان عرب ادبیات معاصر ایران را جستجو می کند



به عنوان سؤال اول حرفه‌ای شدن نویسندگی در جهان عرب چه راهی را در حال حاضر طی می‌کند؟ و آیا نویسندگان عضو اتحادیه، حرفه‌ای هستند؟

تعدادی از نویسندگان عضو اتحادیه به معنای درست کلمه حرفه‌ای هستند. یعنی شغلشان نویسندگی است و به طور تمام وقت به شعر، داستان، ادبیات، تحقیق و نوشتن مشغولند. عده دیگری از اعضا هم هستند که نمی‌شود نام نویسنده حرفه‌ای را بر آنها گذاشت. این عده درآمدشان از حرفه دیگری غیر از نویسندگی است؛ مثلاً کارمند هستند و تنها به خاطر علاقه و گرایشی که به نوشتن دارند، اتحادیه آنها را جذب کرده و برای چاپ و انتشار آثارشان به آنها کمک می‌کند. البته همین طیف گسترده اعضا اتحادیه نویسندگان به قدرتمند شدن اتحادیه کمک کرده است. ضمن این که داستان‌های برجسته نویسندگان غیر حرفه‌ای عضو اتحادیه هم منتشر می‌شود. برای نمونه می‌توانم بگویم که اتحادیه چندی پیش انتشار داستانهای ممتاز تعدادی پزشک را تقبل کرد و کتابها هم با استقبال عموم روبرو شد.

**اکثریت اعضا را کدام دسته تشکیل می‌دهند؟**  
آمار دقیقی گرفته نشده یا دست کم در اختیار من نیست. اما به نظر می‌رسد که اکثریت با غیرحرفه‌ای‌هاست.

**انتشار کتاب اعضا از سوی اتحادیه نویسندگان عرب، آیا قاعده و قانونی دارد؟**

بله، اتحادیه نویسندگان جهان عرب ۵ شعبه یا انجمن دارد و هر انجمن سالانه ده کتاب را می‌تواند منتشر کند. پنج انجمن نقد ادبی، ترجمه، ادبیات کودک، شعر و مطالعات علوم انسانی معرفی این ده کتاب را به عهده دارند. و عاقبت پس از معرفی، اتحادیه با هزینه‌ای مناسب کتابها را منتشر می‌کند. همین کتابها در اتحادیه، مراکز فرهنگی و نمایشگاههای کتاب با تخفیف چهل درصد به فروش می‌رسد و مشکل فروش کتاب هم تا حدی حل می‌شود. اصولاً هر تشکیلی حمایتهایی را برای اعضایش به همراه دارد. اتحادیه، نویسندگان جهان عرب علاوه بر این گونه فعالیت‌ها،

حمایتهای بیمه اجتماعی را نیز برای نویسندگان فراهم آورده است. اعضا اتحادیه بیمه هستند و پس از بیست سال عضویت در اتحادیه نویسندگان عرب می‌توانند درخواست بازنشستگی کنند و ماهانه معادل ۱۲۰ دلار - شش هزار لیر از سوی اتحادیه حق بازنشستگی می‌گیرند. یا در صورت فوت ۲۰۰۰ دلار - صد هزار لیر سوری - به خانواده متوفی از سوی اتحادیه کمک می‌شود تا به نحو مناسبی مراسم بزرگداشت نویسنده برگزار شود. این مزایا خود به خود عاملی به حساب می‌آید برای جذب عضو و فعال تر شدن اتحادیه.

**آیا در کنار اتحادیه نویسندگان جهان عرب حرکت‌های موازی دیگری نیز وجود دارد؟**

تشکیلی که به شکل جدی و گسترده به موازات اتحادیه نویسندگان عرب تلاش کند - با مواضع مخالف اتحادیه - وجود ندارد، اما افراد یا اتحادیه نویسندگان عرب با موضعی مخالف اتحادیه وجود دارد که مدافع

عادی سازی روابط فرهنگی و ادبی با اسرائیل هستند. این گروه افرادی را هم به فلسطین اشغالی فرستاده است و به طور متقابل تعدادی از هنر پیشه‌ها و اشخاص فرهنگی اسرائیلی را به مصر دعوت کرده است. اتحادیه نویسندگان عرب هم در مقابل سعی کرده است با تحریم این گروه، موضع خودش را دنبال کند. مردم عرب هم خوشبختانه عادی سازی روابط را نپذیرفته‌اند و اکثر نویسندگان و فرهیختگان عرب هم طرف اتحادیه را گرفته‌اند و از آن دفاع کرده‌اند. «لطفی خولی» رئیس این تشکیلات اخیراً فوت کرد اما این حرکت به رغم ضعفش همچنان وجود دارد.

**اتحادیه نویسندگان عرب برای جذب عضو چه موازین و شرایطی را تعیین کرده است؟**

مشترکات نویسندگان عرب، زبان عربی است. عضو اتحادیه باید حداقل دو کتاب به زبان عربی تألیف کرده باشد. دو نفر از اعضا اتحادیه با صلاحیت ادبی

عضو را تأیید کنند و یک نفر از اعضا انجمن پنج گانه هم صلاحیت سطح آثار منتشر شده را تأیید کند. جدای از این موازین، عضو باید مخالف هر گونه سازش با اسرائیل و طرفدار مواضع مردمی باشد.

**نگاه نویسندگان عرب به ادبیات چگونه است و به دنبال آن رابطه اتحادیه نویسندگان عرب با فرهنگ و ادبیات ایران و نویسندگان ایرانی به چه شکل است؟**

روابط فرهنگی ایران و عرب هنوز همسنگ و برابر با روابط سیاسی شان نیست. در زمینه‌های سیاسی مقدار زیادی پیشرفت حاصل شده است اما روابط فرهنگی هنوز در جا می‌زند و ضعیف است. در واقع جهان عرب اطلاعاتی از ادبیات معاصر ایران - به خصوص بعد از انقلاب اسلامی ایران - ندارد. چیزی که آشنا هستند همین تاریخ ادبیات کهن است. ما هم به خاطر مشکلات مشترک فرهنگی و دشمنان مشترکی که داریم و تهاجم سنگینی که هر دو در معرض آن هستیم نیازمند شناخت ادبیات و فرهنگ معاصر عرب هستیم. باید سعی کنیم به ادبیات و فرهنگ عرب نزدیک شویم تا در این تعامل آنها هم به ما نزدیک شوند. من معتقدم شکوفایی فرهنگ اسلام در قرون گذشته - که فرهنگ ایران و عرب با هم نزدیک شدند به این درجه رسید، در آن روزگار به نوعی اتحاد و همبستگی رسیدند که باعث اعتلا و شکوفایی فرهنگ اسلام شد. نمونه‌اش آثار قرن چهارم هجری است.

ما اگر بخواهیم دوباره به این سمت و سو برویم باید به نزدیک کردن دو فرهنگ فکر کنیم. چون فرهنگ عرب با هیچ فرهنگ دیگری جز فرهنگ ایرانی انس و الفتی پیدا نکرده است. تاریخ هم گواه این الفت فرهنگی است. این خود زمینه مساعدی برای گفتگوی فرهنگها و تمدن‌هاست. در واقع کلید گفتگوی تمدن‌ها با جهان عرب همین نزدیکی دو فرهنگ ایران و عرب است و شکوفایی فرهنگ اسلامی متعاقب آن بر فرهنگ‌های ملل دیگر نیز تأثیر گذار خواهد بود. این اقدام نیازمند نهاد و تشکیلاتی است که متولی این حرکت فرهنگی باشد تا آثار نویسندگان عرب و شعرای معاصر عرب را به فارسی برگرداند و آثار نویسندگان معاصر ایرانی را نیز به جهان عرب بشناساند. جای خالی این حرکت فرهنگی در جهان عرب کاملاً محسوس است. جهان عرب با احساس نیاز ادبیات معاصر ایران را جستجو می‌کنند اما چون منبع قابل قبولی در دست نیست این نیاز جواب درخوری نمی‌گیرد. این نهاد می‌تواند پل ارتباطی میان دو فرهنگ باشد. نهادی با عنوان انجمن دوستی فرهنگی ایران و عرب می‌تواند زمینه‌ساز تحقق ارتباط فرهنگی میان دو تمدن باشد. نمایندگی‌های این نهاد در کشورهای عربی می‌تواند پاسخگوی نیاز علاقه‌مندان به شناخت ادبیات ایران باشد. ما طرفداران زیادی در کشورهای عربی داریم که به ادبیات فارسی علاقه‌مند هستند و در این زمینه تالیفاتی نیز دارند. منتها ما به دلیل نبود ارتباط و عدم شناخت این سفیران فرهنگی را تغذیه فرهنگی نمی‌کنیم. من از روی اتفاق با نویسنده‌ای برخورد کردم که دیوان مولوی را به طور کامل به زبان عربی ترجمه کرده است. ترجمه سی

سال پیش مثنوی ترجمه منتخب دیوان بود - این افراد را آن نهاد اشاره شده می‌تواند بشناسد و جذب کند و آثارشان را منتشر کند. سفیران فرهنگ و ادبیات فارسی در کشورهای عربی همین‌ها هستند. چنین افرادی می‌توانند در قالب و چارچوب انجمن فرهنگی ایران و عرب گردهم بیایند تا یکدیگر را بشناسند. انجمن نیز می‌تواند راههای نشر چنین کتابهایی را هموار کند. ضمن این که به یمن این تشکل افرادی که برفرض در قاهره هستند و علاقه‌مند به ادبیات فارسی یا کسانی که در مغرب هستند آشنا می‌شوند. آنجاست که فرهنگ ما می‌تواند بازتاب گسترده‌تری داشته باشد.

**فعالیت شعبه‌ها و تشکیلات اتحادیه نویسندگان عرب در کشورهای عربی که به دنبال رابطه با اسرائیل هستند و همین‌طور با نویسندگان عربی که چنین گرایشی دارند چگونه است؟**

اتحادیه نویسندگان جهان عرب در این مورد انعطافی ندارد. در مواردی حتی اعضایی را که چنین مواضع سیاسی داشته‌اند اخراج کرده است. در اساسنامه اتحادیه عرب این‌مرز چگونه تشریح و توضیح داده شده است؟

در منشور نویسندگان عرب صراحتاً در چندین بند ذکر شده که هیچ نویسنده‌ای حق ایجاد ارتباط یا رفتن به فلسطین اشغالی یا ارتباط با نویسندگان اسرائیلی را ندارد و نویسنده عرب باید معتقد باشد که این سرزمین باید به کشور عربی برگردانده شود. و هر گونه صحبت، سازش یا معامله بر سر این سرزمین را رد می‌کنند.

**رابطه بین اتحادیه نویسندگان جهان عرب با نویسندگان ایران چگونه است؟ آیا برنامه مشخصی را در این زمینه دنبال می‌کنند؟**

بله، اتحادیه نویسندگان عرب قراردادی با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران دارد که هر سال سه نفر از نویسندگان ایرانی به سوریه دعوت می‌شوند تا دستاوردهای فرهنگی متقابل را منعکس و معرفی کنند، تا به حال چندین هیات در این زمینه فعالیت کرده‌اند. هیاتی اخیراً در خاتمه نمایشگاه دوازدهم کتاب به مناسبت پنجاهمین سالگرد اشغال فلسطین مراسمی برگزار کرد و سه نفر از اتحادیه نویسندگان عرب

در این مراسم تلاش کردند که خیلی مفید و سودمند بود. متقابلاً هیاتی از ایران به سوریه رفت که آقای «مصطفی رحماندوست» در مورد ادبیات کودک و آقای «موسی بیج» در مورد آثار شعرای عرب که به فارسی ترجمه شده سخنرانی کردند. همین‌طور آقای دکتر «محمود انوار» استاد دانشگاه تهران در مورد تدریس زبان عربی و اهتمام جمهوری اسلامی به آموزش زبان عربی در سطوح مختلف سخنرانی کرد. این سه نفر در شهرهای مختلف سوریه و مراکز فرهنگی مختلف حضور داشتند و در نشست‌هایی با نویسندگان عرب شرکت کردند. این اقدام فرهنگی به‌رغم مدت کوتاهش بازتاب مفید و موثری داشت. شاید بشود گفت مقداری از سیمای فرهنگ معاصر ایران با چنین اقدامی منعکس شد. اما این حرکت زمینه‌ای است برای شروع تلاش و فعالیت، و نیاز به تقویت و استمرار در این راستا کاملاً احساس می‌شود. در واقع جای خالی جریانی مستمر، پیگیر و کارا مشهود است.

**هزینه‌های اتحادیه نویسندگان عرب به چه شکل تأمین می‌شود؟ آیا از کمک مالی دولتهای عربی یا حمایت‌هایی از این دست برخوردار است؟**

اتحادیه نویسندگان عرب به صورت خودگردان اداره می‌شود و هیچ کمکی از هیچ دولتی نمی‌گیرد. منتها در بلو تاسیس دولت سوریه ساختمان پنج طبقه‌ای را به اتحادیه اختصاص داد و اتحادیه از یک طبقه این ساختمان برای رتق و فتق کارهایش استفاده می‌کند و باقی طبقات به یک شرکت استخراج نفت اجاره داده شده است. اتحادیه از این اجاره بها تغذیه می‌شود و هزینه‌اش را تأمین می‌کند و به همین خاطر تحت تأثیر فشار مالی قرار ندارند. تاکنون برای تأمین هزینه‌های بیمه تأمین اجتماعی، حقوق بازنشستگی، حق سخنرانی‌ها، هزینه قراردادهایی که با کشورها بسته می‌شود و ... یا مشکلی رو به رو نبوده است. در واقع استقلال مادی، استقلال فکری و سیاسی اتحادیه را هم به دنبال داشته است و از این رو به طور مستقل فعالیت می‌کند.

**در مورد تعامل فرهنگی ایران و سوریه و ایجاد راههای موثر در این زمینه چه نظری دارید؟**

روابط خوب و ممتاز فعلی میان ایران و سوریه می‌تواند زمینه‌ساز ارتباط عمیق فرهنگی باشد. می‌شود از این جو خوب سیاسی برای تقویت روابط فرهنگی بهره برد، به ویژه که سوریه در حال حاضر حالت دروازه فرهنگی جهان عرب را دارد و بسیاری از نویسندگان جهان عرب که در کشورشان مشکلاتی دارند به سوریه پناه آورده‌اند. به عنوان مثال آقای جواهری از شعرای عراقی و شاعر معروف جهان عرب مدتها ساکن دمشق بود. در حال حاضر هم مصطفی جمال‌الدین، عبدالوهاب حیاتی و بسیاری از متفکران و نویسندگان عرب در سوریه هستند. در واقع سوریه پایگاه اندیشه جهان عرب است و می‌توان گفت هم‌طراز مصر تلاش می‌کند. با این توضیح و با نگاه به رابطه خوب سیاسی ایران و سوریه می‌شود از این ظرفیت‌ها بهره‌های فرهنگی برد و از مبداء سوریه برای تعمیم فرهنگ ایران به سایر کشورهای عربی سود برد.

